

ای سالک راه حق خدای تعالی بیان کرده است چنانکه فرمود و ما
خلقنا السموات والارض وما بينهما الا بالحق برونو یاد که پیوسته با
باد زین علیه السلام موافقت کنی بگفتن اللهم جود فی کل فعاله مصراع
مادجه اول که بر جان و دل آن جمله باشد و او دین حاشا که یا و رخی فدا که
من فعلی قیج سانی و جهل طلسا **باب سیزدهم** بخزید
است و بنیاد بخزید بر محبت نهاده است قال الله تعالی انکم و تخبون
ای سالک راه حق بدان که چون محبت بکمال رسد عشقش خوانند
و چون عشق دل سالک را مقام خود سازد به یقین هستی سالک
از بلیس بوگیرند زیرا که عشق را به عشق نسبت کرده اند و عشق
چون بر درخت پیچد از محبت که یاد رخت و رزد درخت طائف
محبت او نیار و با سرخ زده تا بود خود روه و اگر ساری ظاهر باشد

از عشق به باشند از درخت پس در هر وقت که مر و سالک در
مقام محبت قدم نهاد از جمله علایین مجرد شود و چون محبت بکمال رسد
با سرخ زده تا بود خود روه زیرا که اقتضای شمع آنست که چون
پروانه را از پیش بوگیرد و شمع با پروانه میسازد کوبید در شهر
بگو تا تو باشی یا من کاشفته بود کار ولایت به دو تن سالک
در عشق آئی عشق جو کوزه هستی خود بر عشق جو به مستحق
مریض و آب چو مر که او آنست که او جویای او ای سالک راه حق
بزرگان طریقت چنین گفته اند که دل چنان بخانه شیر ماند چنان
که در خانه شیر به چ جانوری وطن نتواند کردن و در دل محبان
اندیشه وصال محبوب نتواند که وطن کنند آن سالک راه حق چون
خدای تعالی خواهد که دل بند را از غیر خود خالی گرداند اول عزین را